

روایت تجربه شیرین سفر خانوادگی اربعین در گفت و گو با خانواده بخشودی

اربعین خانوادگی صفای دیگری دارد

نیره ساری
خانواده بخشودی عاشق سفر اربعین هستند. این سفر را ضرورت می‌دانند و معتقدند مقدمه ظهور است. حسین هفت ساله فرزند بزرگ خانواده که تجربه چندین سفر اربعین را دارد، شنبه حضور در راهپیمایی است و امسال نیز با عشق عزم سفر کرده است. آنان معتقدند راهپیمایی و سفر اربعین خانوادگی صفا و هوای دیگری دارد.

■ **پدر اربعینی: خون زن و بچه ما قطعاً رنگین تر از خون سیدالشهدا (ع) نیست**
علیرضا بخشودی از زائرانی است که سال‌ها تجربه سفر اربعین را به همراه همسر و فرزندان خود دارد و امسال نیز بعد از دو سال شرایط کرونایی کودک دیگر خود را که دو سال دارد، همراه کرده است تا چهار نفره به پیاده‌روی اربعین بروند.
وی در گفت‌وگو با خبرنگار کاشانه از دلایل خود برای رفتن به این سفر و همراه ساختن همسر و فرزندان در کنار خود می‌گوید: ما از زمانی که سفر اربعین کلید خورد، سال‌های متعددی شرکت می‌کردیم و بعد از به دنیا آمدن بچه‌ها نیز باهم راهی شدیم و به رغم انتقاد اطرافیان برای بردن بچه‌ها، همچنان به صورت خانوادگی به این سفر می‌رویم.
بخشودی با بیان اینکه سفر اربعین تنها زیارت نیست بلکه یک ضرورت است، می‌افزاید: از آنجا که حضرت مهدی (عج) در زمان ظهور خود را به واسطه جد بزرگوارشان به اهل عالم معرفی می‌کنند، در نتیجه هیچ اجتماعی بالاتر و مهم‌تر از قرار گرفتن در مسیر امام حسین (ع) نیست که بتوان سیدالشهدا (ع) را به جهانبان معرفی کرد. ما دوست داریم در این مسیر حرکت کنیم تا در بحث ظهور حضرت مهدی (عج) به سهم خودمان قدمی برداریم.
وی می‌گوید: امام حسین (ع) در زمان هجرت از مدینه به مکه، حج خود را ناتمام گذاشتند و به سمت کوفه رفتند. همسر و فرزندان را با خود همراه کردند و نگفتند سفر خطرناکی است یا انتهای آن منتهی به شهادت و اسارت خواهد بود. در نتیجه زن و بچه را نیز بردیم. خون زن و بچه ما قطعاً رنگین‌تر از خون سیدالشهدا (ع) نیست.
به گفته وی از جذابیت‌های سفر اربعین همراهی، همدلی و هم‌مسیر بودن همه افراد است. در این ایام همه می‌خواهند به هدف واحدی برسند و آن زیارت امام حسین (ع) است و این همدلی و هم‌هدفی باید پررنگ‌تر شود تا به ظهور حضرت مهدی (عج) منتهی شود.
بخشودی ادامه می‌دهد: مردم خوب عراق در کل سال با تلاش برای برپایی

موبک در این یک ماه کسب درآمد می‌کنند تا به زوار انواع خدمت ارائه دهند و همین از خودگذشتگی جزو زیبایی‌های سفر اربعین است. در واقع هر کس به هر شکلی که در توان دارد برای زوار تلاش می‌کند و خود زوار امام حسین (ع) به هر شکل و توانی راهی سفر می‌شوند، البته سفر سختی است و در واقع طول مسیر از نظر جسمی اذیت‌کننده است، اما این جذابیت‌ها سختی سفر را ساده می‌کنند.
این زائر اربعین حسینی ضمن انتقاد از هزینه‌های سفر اربعین معتقد است: گرانی‌ها به دلیل سودجویی برخی افراد در این مسیر است که شرایط این سفر را سخت می‌کنند.
وی ضمن امیدواری به کاهش هزینه‌های سفر اربعین می‌گوید: امسال من با همسر و دو فرزندم راهی می‌شویم تا جلوه زیبایی این سفر را از نزدیک با بچه‌ها شاهد باشیم.

■ **مادر اربعینی: اربعین زمان حاجت‌خواهی نیست**
زهرا تورانی همسر این زائر اربعینی و مادر حسین هفت ساله و علی دو ساله است. وی نیز درباره دلایل این سفر به رغم سختی‌های موجود در آن به خبرنگار کاشانه می‌گوید: همیشه بزرگ‌ترین دغدغه‌ام این بوده است که در لحظه درست‌ترین تصمیم را بگیرم و برای گسترش دینم مفید باشم. به نظرم در این عصر، اربعین یک موقعیت فوق‌العاده برای گسترش دین اسلام است. از آنجا که زمان ظهور امام مهدی (عج) آن حضرت خود را منتسب به فرزند امام حسین (ع) معرفی می‌کنند، در نتیجه سیدالشهدا (ع) جهانی هستند و تمام مردم دنیا امام حسین (ع) را می‌شناسند. با توجه به پایکوت خیری جهانی، هر چه مراسم اربعین گسترده‌تر و باشکوه‌تر برگزار شود، این پایکوت شکسته یا کم و کمتر خواهد شد و توجه مردم جهان به این نقطه از زمین و شخصیت امام حسین (ع) بیشتر جلب خواهد شد. همانطور که تا به امروز این اتفاق افتاده است و جمعیت قابل توجهی از زائران، از ادیان مختلف و کشورهای اروپایی در مراسم شرکت می‌کنند.
وی می‌افزاید: وقتی با این نیت در این راه قرار می‌گیریم، سختی‌های مسیر نه تنها قابل تحمل، بلکه شیرین می‌شود چراکه باور داریم اندازه سوزنی در زمینه‌سازی ظهور مؤثر واقع شده‌ایم.
تورانی در زمینه همراه ساختن کودک خردسال خود در این سفر سخت می‌گوید: بچه‌ها را با خود می‌برم تا آنها هم بیاموزند که در این مسیر قرار بگیرند. به نظر من اربعین زمان حاجت‌خواهی شخصی نیست بلکه یک موقعیت خیلی خاص و نیاز مهم جهان است که یکصدا ظهور امام مهدی (عج) را بخواهیم. این بزرگ‌ترین دلیل من برای رفتن و همراه کردن بچه‌ها در این مسیر است. وی اربعین را سرشار از درس‌های مهم زندگی



زیارت
Pilgrimage



پدر خانواده می‌گوید: از زمانی که سفر اربعین کلید خورد، سال‌های متعددی شرکت می‌کردیم و بعد از به دنیا آمدن بچه‌ها نیز باهم راهی شدیم و به رغم انتقاد اطرافیان برای بردن بچه‌ها، همچنان به صورت خانوادگی به این سفر می‌رویم

تورانی می‌گوید: یکی از ویژگی‌هایی که در فضای مقدس اربعین وجود دارد و برای من خیلی مهم است دیدن زیبایی‌های سفر اربعین برای بچه‌هاست. به عنوان یک خانم این را هم باید بگویم که حضور یک زن در این مسیر منوط به رضایت قلبی همسر و برای دختران، پدر است. با این نگاه، درجه اول ولایت‌پذیری بنده ولایت همسر من است که پایین‌ترین مرتبه ولایت است و تا این ولایت‌پذیری رخ ندهد، مراتب بعدی ولایت که ولایت‌پذیری از امام است هم اتفاق نخواهد افتاد. این را برای عزیزانی که با من هم عقیده هستند و دوست دارند در این مسیر باشند ولی همسر آنها به هر دلیلی با رفتن خانوادگی مخالفت دارند، می‌گویم که این افراد با اطاعت‌پذیری از همسر تمام معنویت راه را دریافت می‌کنند. من خودم به شخصه به طور ویژه به نیابت از این عزیزان در این مسیر قدم برمی‌دارم.
■ **حسین ۷ساله: اربعین خیلی خوش می‌گذرد**
حسین هشت ساله به عنوان فرزند بزرگ این خانواده اربعینی که تجربه حضور در سفرهای قبلی را دارد، به خبرنگار کاشانه می‌گوید: من سفر اربعین را دوست دارم، چون به بچه‌های عراقی هدیه می‌دهم. من دوست دارم در این سفر بیشتر بازی کنم و بازم دوست دارم همچنان بروم، چون اربعین خیلی خوش می‌گذرد. من دوست عراقی پیدا کردم، ولی حرف هم را متوجه نمی‌شدیم، اما خیلی باهم بازی کردیم.

می‌داند و درباره آن توضیح می‌دهد: درس‌های خیلی زیادی در این مسیر گرفته‌ام از جمله اینکه وقتی مردم عزیز عراقی را می‌بینم که واقعاً با اخلاص و با تمام وجود برای زائران خدمت‌رسانی می‌کنند یا تمام سرمایه خود را خرج زائر امام می‌کنند، به خودم می‌گویم با نیتی که دارم، مغرور نشوم چراکه این عزیزان بالاتر از من برای این مسیر هزینه می‌کنند و بی‌ادعا هستند.
این بانوی اربعینی در مورد سختی سفر و همراه ساختن کودکان خود نیز می‌گوید: اولین سفری که با پسرم حسین راهی شدیم، ۱۰ ماهه بود و بر کات این سفر را به چشم مشاهده کردم. سعی می‌کنم خاطرات خوبی برای بچه‌ها به جای بگذارم و در مسیر از کوچک‌ترین زمان برای بازی با بچه‌ها استفاده می‌کنم که البته این موضوع مستلزم این است که من از استراحت و زمان شخصی خودم بگذرم. در این مسیر مدام به خودم یادآوری می‌کنم که بچه‌ها زائران پاک و بی‌گناه امام هستند که خداوند توفیق خادمی آنها را به من عطا کرده است.
وی ادامه می‌دهد: سعی می‌کنم آنها با بچه‌های عراقی ارتباط بگیرند و برای‌شان هدیه می‌برم و با دست پسرم بین آنها پخش می‌کنم که خاطره خوبی برای او بماند. هر زمان حرف رفتن شود یا ذوق، سراغ هدیه بچه‌های عراقی را می‌گیرم. وجود بچه‌ها در سفر برای من باعث برکتی بوده که خستگی راه شیرین می‌شود. خیلی از مواقع این حس را دارم که به خاطر حضور این بچه‌های پاک و معصوم، ما هم نظری می‌شویم و مورد رحمت خدا قرار می‌گیریم.

خاطره

خاطرات مصور سفر پیاده به کربلا معلی
طریق یا حسین (ع)

اینجا خروجی شهر نجف است؛ همان جا که زائرهای پیاده کربلا کنار جاده می‌خکوب می‌شوند. زل می‌زنند به تابلویی که نوشته رویش دلت را می‌لرزاند: «طریق یا حسین (ع)».

هر ساله در آستانه اربعین خاطرات پراکنده‌ای از پیاده‌روی اربعین در رسانه‌ها منتشر می‌شود، اما می‌توان گلچینی از این خاطرات را در یک کتاب مصور مشاهده کرد؛ خواندن دهها خاطره‌ای که در این کتاب گردآوری شده است. هر کدام در کنار تصویری مرتبط قرار گرفته که دل را می‌برد به جاده نجف-کربلا یا همان طریق یا حسین (ع).

اسم کتاب هم از همین جاده گرفته شده است: «طریق یا حسین (ع)». جایی که اولین عمود برق خوندنمایی می‌کند و تا برسی به حرم ابا عبدالله (ع)، باید هزار و چهارصد و خرده‌ای از آنها را پشت سر بگذاری.
این کتاب اولین کتاب خاطرات مصور سفر پیاده به کربلا معلی همراه با تصویر زیبا از کربلا و زائران پیاده است.

خواندن این کتاب می‌تواند برای کسانی که تجربه حضور در آن پیاده‌روی را دارند، یادآور خاطرات شیرینی باشد که حلاوت‌شان هیچ وقت فراموش نمی‌شود. کسانی هم که تا حالا توفیق حضور نداشته‌اند با خواندن این کتاب بیشتر حسرت خواهند خورد، البته عزم‌شان را برای توفیق یافتن در سال‌های آتی بیشتر خواهند کرد.

این کتاب ۸۰ صفحه‌ای محصول دو نوبت همراهی نویسنده، فاطمه صادقی با کاروان‌های دانشجویی است که مسیر نجف تا کربلا را طی کرده است.



عاشقانه

عروسی اربعینی



جای مشخص، خودم پیش دوستانم رفتم. یک شب در بین الحرمین روضه داشتیم. بین روضه دلم شکست و خیلی دلم گرفت و حسسالی اشک ریختم. در راه برگشت به تهران، مادرم اصرار کرد که دختر خانمی را در سفر دیده و برای من نشان کرده است. از آنجا که دختر خانم هم به مادرم کمک کرده بود، مادرم هم شیفته او شده بود. می‌گفت باید به خواستگاری برویم تا از نزدیک او را ببینیم. بدون هیچ ذوق و میلی یک هفته بعد از اربعین به خواستگاری رفتیم. چشمم که به عروس خانم افتاد خشکم زد. یا حسین!
هر دو باهم بلند خندیدیم. عروس، همان دختری بود که مدت‌ها قبل به او علاقه‌مند شده بودم و مادرم حتی برای خواستگاری رفتن راضی نشده بود. من هم گفته بودم دیگر ازدواج نمی‌کنم. در دلم گفتم آقا جان! قبل از اینکه به کربلا بیایم، حاجت مرا داده بودی. برایم برنامه ریخته بودی و من نمی‌دانستم!
سفر اربعین من واسطه ازدواج شد. فدای مراسم حسین جان!

مدت‌ها قبل به دختر خانمی علاقه‌مند شده بودم. برای اولین بار بود که خدا مهر دختری را به قلبم انداخته بود. باهم صحبت کرده بودیم و ایسن علاقه دوطرفه و محکم بود. برنامه‌های زیادی برای زندگی مشترک چیدیم، اما متأسفانه با مخالفت شدید خانواده به خصوص مادرم روبه‌رو شدیم و این ازدواج حاصل نشد و به اجبار خداحافظی کردم. مادرم خوشحال از اینکه این ازدواج سرنگرفت، هر روز آش تازهای برای من می‌پخت و دخترهای فامیل و همسایه را برای من نشان و حتی خواستگاری می‌کرد، اما هیچ‌کس نمی‌توانست محبتی در دلم ایجاد کند. از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان، دلم پیش همان دختر مانده بود، اما از طرفی کاملاً ناامید شده بودم. زن‌دیک اربعین بود که خانواده برای پیاده‌روی برنامه‌ریزی کردند. کرده‌اند، خوب می‌دانند میهمان‌نوازی عراقی‌های بی‌نظیر است. صحنه‌هایی از مهر و محبت را با چشم نظاره‌گر هستم که در هیچ کجای دنیا نخواهند دید و مرکزیت این محبت حسین بن علی (ع) است؛ یگانه عزیزی که

هر خرابی را آباد می‌کند. کم نیست خاطرات مسافرائی که تجربه این سفر را داشتند؛ خاطراتی که نه صرفاً واگویی یک خاطره باشد بلکه بیشتر شبیه معجزاتی است که باید فقط لمس کرد و چشید. بسیاری از افراد هستند که در همین مسیر پیاده‌روی اربعین همپای همیشگی خود را پیدا کرده‌اند و اتفاقاً مسیری است برای درست‌ترین انتخاب‌ها. وقتی کسی با همه

«اربعین» باصفا‌ترین تجلی‌گاه و دلنشین‌ترین صحنه‌های ارتباط قلبی میان مردم ایران و عراق را توصیف می‌کند. افرادی که در این مراسم شرکت کرده‌اند، خوب می‌دانند میهمان‌نوازی عراقی‌های بی‌نظیر است. صحنه‌هایی از مهر و محبت را با چشم نظاره‌گر هستم که در هیچ کجای دنیا نخواهند دید و مرکزیت این محبت حسین بن علی (ع) است؛ یگانه عزیزی که

کتابخانه



نگاهی به کتاب «موبک آمستردام»
روایت جوانان اروپایی
از سفر اربعین

یک جوان امریکایی، یک جوان انگلیسی، یک جوان فرانسوی، هلندی، آلمانی... جوان‌هایی که خیلی از لذت‌های رؤیایی ما را تجربه کرده‌اند، در این کتاب جمع شده‌اند تا از حسن یک لذت جدید و متفاوت صحبت کنند...
«موبک آمستردام» خرده‌روایت‌هایی است از زائران دور دست سیدالشهدا (ع)؛ زائرانی که از اروپا به مقصد زیارت پیاده امام حسین (ع) رهسپار شده‌اند؛ زائرانی که امام حسین (ع) را نه در کربلا، نجف، قم و مشهد بلکه در قلب اروپا یافته‌اند و در یافتن عشق حسین (ع) زمین و زمان و مکان نمی‌شناسد.

بهزاد دانشگر در این کتاب در تلاش است با به تصویر کشیدن عشق زائران امام حسین (ع)، روایتی از تلاش آنان برای فدا شدن در مسیر سیدالشهدا (ع) را برای مخاطبان تصویر کند. روایت آن دسته از عاشقان حسین (ع) که در یافته‌اند، عشق حسین زمین و زمان و مکان نمی‌شناسد. دیر یا زود عالم‌گیر خواهد شد. توفیق باید خودت را به دست امواج این دریای رحمت و نور بسیاری تا به ساحل امن و آرامش برسی.

«موبک آمستردام» دومین گام و تلاش پس از کتاب موفق پادشاهان پیاده است که در کمتر از یک سال به چاپ پنجم رسید. این کتاب را انتشارات «عهد مانا» چاپ و عرضه کرده است.

اندیشه‌نگارش کتاب زمانی به ذهن دانشگر رسید که داشت کتاب «پادشاهان پیاده» را می‌نوشت. او آن زمان به گروهی برخورد که از اروپا برای زیارت امام حسین (ع) آمده بودند. با اندکی پرس‌وجو فهمید که این گروه همین چند روزه تشکیل شده است. گروهی است برای تبلیغ دین اسلام و معرفی رسالت امام حسین (ع) در شهرهای اسلام‌ستیز اروپایی. نویسنده در «موبک آمستردام» با خرده‌روایت‌هایی کوتاه از عشق و ارادت کسانی می‌گوید که در آیین اربعین حسینی حضور دارند، فرقی نمی‌کند که میزبان هستند یا میهمان و فرقی نمی‌کند که از کجا آمده‌اند و به چه زبانی حرف می‌زنند. آنها خود را پیش عشق حسین گم کرده‌اند تا بفهمند این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست.

■ **بروشی از متن**
«من وقتی کسی را خوشحال می‌کنم، خودم هم خوشحال می‌شوم. امسال سه شب نخواهید، چون به کلینیک‌های مختلف رفتم برای کمک. خیلی به من خوش گذشت الحمدلله. خیلی چیزهای قشنگی در این راه دیدم، ولی قشنگ‌ترینش روابطی است که آدم‌ها در این راه باهم دارند. به طور معمول اگر از شما پرسیم که شما می‌توانید روی پتو‌هایی که اینجاست بخوابید؟ در هلند حتماً می‌گفتند نه، من باید یک تخت تمیز داشته باشم، اما اینجا اینطور نیست...»